

خیلی برایم جالب است
این گندم زیبا و زرد
از روی خَطش می توان
آن را به دَقّت نصف کرد

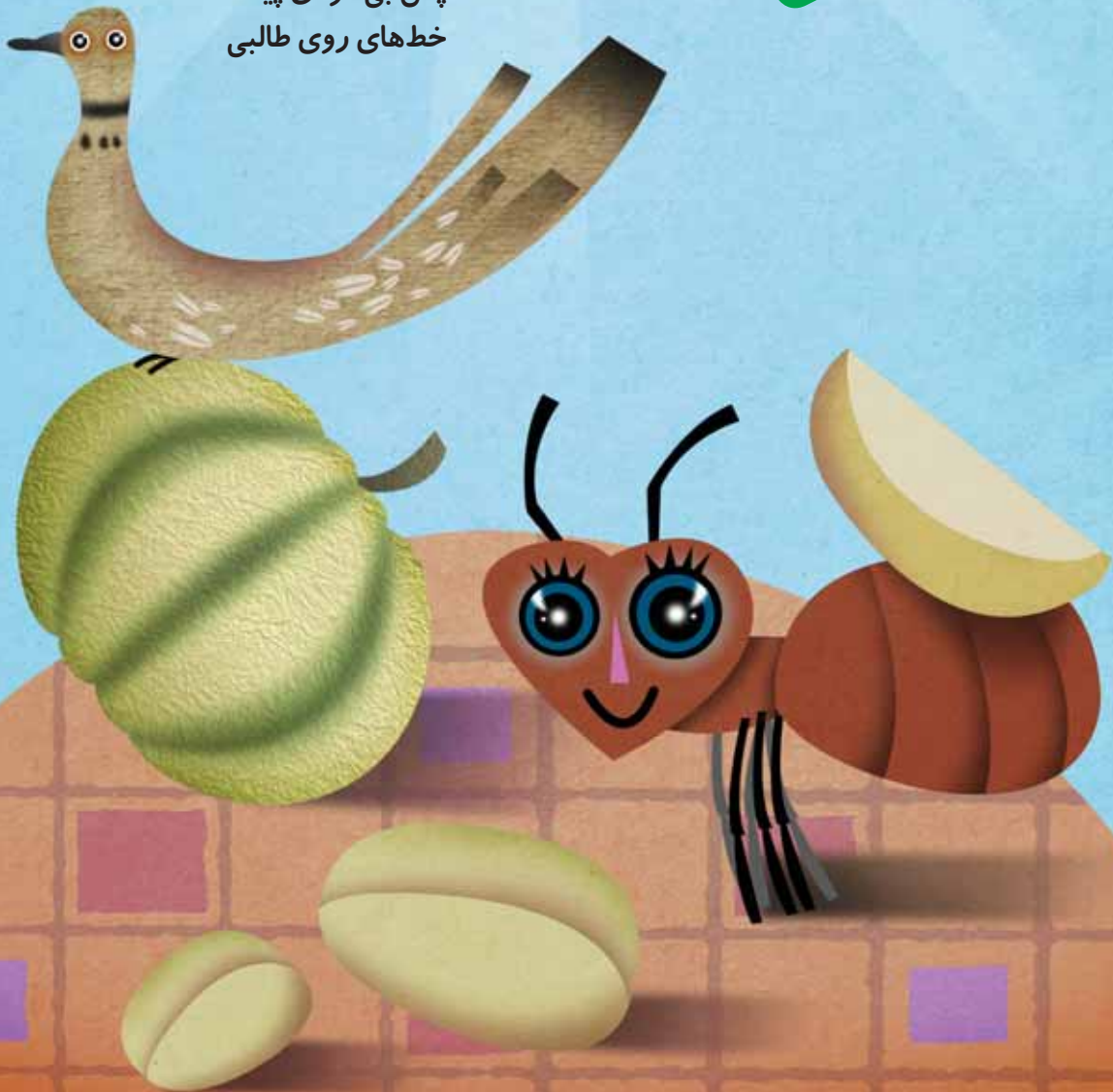
○
نصفش برای مورچه
نصفش برای یاکریم
شاید خدا می خواسته
یک دانه را قسمت کنیم

○
خَط خدا این شکلی است
به به چه خَطِ جالبی!
پس بی خودی پیدا نشد
خطهای روی طالبی

خَطِ خدا

● مریم هاشم پور

شعر





کلاغه

دلش سوخت
برای تگه‌ی نان
که مانده بود تنها
کنار یک خیابان



کلاغه

به نان گفت:
«چه حیف! پَر نداری
از آسمان آبی
چه بد! خبر نداری.»



کلاغه

نوکش را
به سوی تگه نان برد
پرید و تگه نان را
خودش به آسمان بُرد

کلاغه

● افسانه شعبان‌نژاد